

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

علوم انسانی

اقتصاد اسمیتی و ابرپارادایم های فلسفی مؤثر بر آن

نسیم قباشی



نشر آهنگه

www.ketab.ir

Nasim, Ghobashi

سرشناسه: نسیم، قباشی

عنوان و نام پدیدآور: اقتصاد اسمیتی و ابر پارادایم های فلسفی مؤثر بر آن / نسیم قباشی

مشخصات نشر: اصفهان: آهیخته، ۱۳۹۸

مشخصات ظاهری: ۱۲۱ص.

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۹۵۳۷۱-۲-۱

وضعیت فهرست نویسی: فیپا

موضوع: اسمیت، آدام، ۱۷۲۳-۱۷۹۰م. - نقد و تفسیر

رده بندی کنگره: ۱۳۹۷ق ۵/الف ۱۰۳/ HB

رده بندی دیویی: ۳۳۰/۱۵۳

شماره کتابشناسی ملی: ۳۷۹۶۷۴۹



نشر آهیخته

تلفن: ۰۹۱۳۲۱۹۰۸۱۸

www.ahikhteh.ir

Email: info@ahikhteh.ir

Instagram: [ahikhteh_pub](https://www.instagram.com/ahikhteh_pub)

نسیم قباشی

اقتصاد اسمیتی

و ابر پارادایم های فلسفی مؤثر بر آن

چاپ اول

۵۰۰ نسخه

۱۳۹۸

چاپ افق بی پایان

همه حقوق این اثر برای ناشر محفوظ است

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۹۵۳۷۱-۲-۱

ISBN: 978-622-95371-2-1

Printed in Iran

۱ پیشگفتار

فصل اول: مبانی و مفاهیم

۱. جهت‌داری علم	۶
۲. مبادی علم مدرن	۸
۱-۲. هستی‌شناسی	۹
۲-۲. انسان‌شناسی	۱۳
۳-۲. معرفت‌شناسی	۱۸
۴-۲. ارزش‌شناسی	۲۶
۵-۲. پیام‌گرایی	۲۷
۶-۲. روش‌شناسی	۳۰

فصل دوم: تحلیل اثرگذاری مبانی فلسفی بر اندیشه‌های اقتصادی کلاسیک

۱. مقدمه	۳۳
۲. شروع دوران جدید: رنسانس	۳۳
۳. هستی‌شناسی	۳۶
۱-۳. خداشناسی (الهیات)	۳۸
۴. انسان‌شناسی	۴۹
۵. برخی از مؤلفه‌های معرفت‌شناختی عصر روشنگری و تأثیر آن‌ها بر آراءِ آدام اسمیت	۵۴
۱-۵. عناصر تأثیرگذار بر معرفت‌شناسی اقتصاددانان کلاسیک	۵۸
۲-۵. ریاضی و مکانیکی دیدن جهان	۵۸
۳-۵. توجه به عقلانیت	۶۰
۴-۵. تجربه‌گرایی	۶۲
۵-۵. قانون‌گرایی	۶۳
۶-۵. آزادی	۶۵
۷-۵. تأثیرات مؤلفه‌های معرفت‌شناختی بر آراءِ آدام اسمیت	۶۷
۶. روش‌شناسی	۶۹
۱-۶. روش استقرایی و مشاهده‌ای	۶۹
۲-۶. روش ریاضی و تجربی	۷۰

۶-۳. اثر روش‌شناسی جدید بر آرا آدام اسمیت	۷۱
۷. ارزش‌شناسی	۷۲
۷-۱. انواع نظریه‌های اخلاقی	۷۳
۷-۲. مطلوبیت‌گرایی به عنوان یک اخلاق نتیجه‌گرا	۷۴
۷-۳. خودگرایی	۷۶
۷-۴. دلیل اسمیت در موافقت با خودگرایی	۸۲
۷-۵. ظهور ایده نفع شخصی در آرای اندیشمندان مابعد رنسانس	۸۲
۷-۶. نفع شخصی به مثابه محرک سامان بخش اجتماع	۸۳
۸. جمع‌بندی فصل	۸۸
فصل سوم: بررسی نظریات آدام اسمیت در کتاب ثروت ملل	
۱. ارائه‌ی مدلی برای مبانی فلسفی نظریات اقتصادی آدام اسمیت	۹۰
۲. ابعاد فلسفه‌ی منظومه سازی اسمیت	۹۴
۲-۱. اولی یک نگاه مکانیستی است، دومی نگاه طبیعی‌گروی است و سومی هم خوش‌بینی است.	۹۵
۲-۲. اندیشه طبیعی بودن و خودکار بودن بنیادهای اقتصادی	۹۶
۲-۳. هماهنگی نفع شخصی با نفع عمومی	۹۶
۳. ریشه یابی مبادی نظریه‌های اصلی اسمیت	۱۰۱
۳-۱. نظریه‌ی تقسیم‌کار	۱۰۱
۳-۲. در باب پول	۱۰۴
۳-۳. توسعه و انباشت سرمایه	۱۰۵
۳-۴. نظریه ارزش و قیمت	۱۰۷
۳-۵. جمعیت	۱۱۲
۳-۶. عدم دخالت دولت	۱۱۳
۳-۷. سیستم آزادی طبیعی	۱۱۵
۴. جمع‌بندی فصل	۱۱۸
جمع‌بندی	۱۲۰
منابع و مآخذ	۱۲۲

پیشگفتار

این پژوهش با اتخاذ رویکرد تحلیل محتوایی به دنبال آن است که نشان دهد مبانی فلسفی دنیای مدرن از قبیل مبانی هستی‌شناسی، معرفت‌شناسی و ارزش‌شناسی مدرن که پس از رنسانس در غرب شکل گرفت چه تأثیراتی بر اندیشه‌های اقتصادی مکتب کلاسیک، بالأخص آدام اسمیت به‌عنوان بنیان‌گذار علم اقتصاد کلاسیک گذاشته است.

با توجه به اینکه آدام اسمیت کتاب‌های متعددی دارد و نظرات وی در کتب‌هایش مختلف است، آن‌چه که مبنای کار این پژوهش است کتاب ثروت ملل است و فرض‌مان این است که آدام اسمیت آن‌چه در مورد اقتصاد باور دارد را در ثروت ملل بیان کرده است.

سوالی که مطرح می‌شود این است که آیا نظریات اقتصادی جهان‌شمول هستند و فارغ از جهان‌بینی و ارزش می‌باشند؟ برخی از اندیشمندان در حوزه تاریخ اندیشه‌های اقتصادی معتقدند که چون ذات انسان ثابت است نظریات اقتصادی، جهان‌شمول‌اند. این عده از اندیشمندان به این مسئله قائل‌اند که جهان‌بینی و نظام فکری و ایدئولوژی نظریه‌پرداز بر نظریه‌ی اقتصادی وی اثر نخواهد گذاشت. به عنوان نمونه شومپتر^۱ معتقد است که اندیشه اقتصادی کلاسیک استمرار خط سیری است که از زمان ارسطو شروع شد و در قرون میانه در اندیشه متفکرین اسکولاستیک از قبیل سن توماس استمرار یافت. به اعتقاد شومپتر، «این‌یک ایده توهم‌آمیز است که آثار فلاسفه قرن هفدهم در باب قانون طبیعی دارای شکافی عمیق با تحلیل‌های اسکولاستیک است» (شومپتر، ۱۹۵۴، ۱۴۱).

اما در مقابل، برخی از اندیشمندان تاریخ عقاید اقتصادی از قبیل واینر^۱ و پاکاک^۲ معتقدند در رنسانس چرخشی همه‌جانبه و فراگیر در تمامی شئون فکری و فرهنگی و تمدنی غرب رخ داد و گسستی بنیادین میان جهان اومانیستی مدرن پس از رنسانس و عالم دینی قرون وسطی پیدا شد و تنها پس از شکل‌گیری چنین بستری بود که علوم مدرن و از جمله اقتصاد توانستند شکل بگیرند. پاکاک (۱۹۸۳) با اذعان به شکل‌گیری یک پارادایم اومانیستی پس از رنسانس، معتقد است اندیشه‌های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی عصر روشنگری در قرن هجدهم کاملاً از این چرخش بنیادین متأثر بوده است. به‌عنوان نمونه، یکی از مؤلفه‌های اصلی پارادایم اومانیستی، نفع‌طلبی شخصی است که سنگ‌بنای اقتصاد سیاسی کلاسیک و به‌طور خاص کتاب «ثروت ملل» آدام اسمیت است.

کینز^۳ نیز در تأیید گسست بنیادین میان جهان اومانیستی مدرن پس از رنسانس و عالم دینی قرون وسطی، اظهار می‌دارد که «در پایان قرن هفدهم، حق الهی حاکمان، جای خود را به آزادی طبیعی داد و حق الهی کلیسا، جای خود را به اصل طبیعی تساهل داد و این باور که جامعه مسیحی یک جامعه مطلوب انسان‌ها است جای خود را به پذیرش یک جامعه مطلقاً آزاد و مستقل و خودبنیاد داد. پنجاه سال بعد مبنای الهی^۴ و تکلیف الهی^۵ جای خود را به محاسبه مطلوبیت شخصی داد. این دکترین

۱. Jacob Viner

۲. J.G.A Pocock

۳. John M Keynes

۴. Divine Origin

۵. Absolute Voice

به دست هیوم و لاک منجر به پی‌ریزی فردگرایی شد. این عهد جدید حق را به جانب افراد می‌داد. اخلاق جدید، چیزی بیش از مطالعه علمی نتایج خودپرستی^۱ عقلایی که فرد را در مرکز و کانون قرار می‌داد، نبود» (کینز، ۱۹۲۶، ۲۷۲).

این پژوهش موافق با رویکرد دسته دوم یعنی اعتقاد به گسست‌های معرفت‌شناختی می‌باشد و در پی تحلیل چرخش فکری‌ای است که در رنسانس اتفاق افتاد. در این راستا ابتدا به اثرگذاری مبانی فلسفی اندیشه مدرن بر نظریات اقتصادی می‌پردازد و مؤلفه‌ها و مبادی مابعدالطبیعی تفکر مدرن از جمله مبادی هستی‌شناختی^۲، معرفت‌شناختی^۳ و ارزش‌شناختی^۴ طرح می‌شود و این مطلب را بیان می‌کند که مؤلفه‌های اصلی پارادایم شکل‌گرفته پس از رنسانس در غرب که اساسی‌ترین آن‌ها هستی‌شناسی، معرفت‌شناسی و ارزش‌شناسی است، چگونه بر اندیشه‌ها و نظریات اقتصاددانان کلاسیک از جمله آدام اسمیت تأثیر گذاشته است.

در حال حاضر به دلیل سیطره مذهب تحصلی^۵ در محافل علمی و آکادمیک علم اقتصاد در کشور ما، علم اقتصاد متعارف غالباً یک علم فارغ از ارزش و جهان‌شمول تلقی می‌شود که برای تمام کشورها و در همه ادوار قابل کاربرد و اجرا هست؛ اما باید گفت که نظریات و اندیشه‌های اقتصادی بر اساس مبادی هستی‌شناختی، معرفت‌شناختی و ارزش‌شناسی خاصی شکل گرفته است. درواقع این‌طور باید گفت که علم اقتصاد متعارف بر مبانی

۱. Narcissism

۲. Ontology

۳. Epistemology

۴. Axiology

۵. Positivism

فلسفی خاصی شکل گرفته است که اگر این مبانی مربوطه تغییر پیدا کنند، نظریات اقتصادی متفاوتی می‌توانند حاصل شود.

اهمیت این پژوهش در روشن ساختن اثرگذاری مبانی فلسفی دوران جدید، بر اندیشه‌های اقتصادی و اثبات این مدعا است که نظریات اقتصادی الهام گرفته از نوع خاصی از نگاه و تفکر از انسان و جهان است. با نشان دادن جهت‌داری عقیدتی و فلسفی خاص علم اقتصاد، آنگاه طرح نظریه-پردازی اقتصاد اسلامی معنا می‌یابد. درک جایگاه مبادی فلسفی و ایدئولوژیک در فرآیند نظریه‌پردازی و اندیشه‌های اقتصادی به تکوین دانش نوظهور اقتصاد اسلامی کمک نموده تا بتوان بر اساس مبانی فلسفی و فکری و ارزشی اسلامی در جهت تحقق نظریات و اندیشه‌های اقتصادی اسلامی گام برداشت.

با نشان دادن این که نظریات اقتصادی بر اساس یک جهان‌بینی و نگاه خاصی به انسان و جهان است، می‌توان نتیجه گرفت آن نظریات برای جامعه‌ی متناسب با خود می‌تواند کاربرد داشته باشد؛ و اگر بخواهیم برای جامعه‌ی خود سیاست‌گذاری مناسب داشته باشیم، باید اقتصادی متناسب با مبانی ارزشی و فرهنگی خود تولید کرد. در مقیاسی وسیع‌تر، برنامه‌ریزی توسعه و سیاست‌گذاری پیشرفت بایستی بر اساس مبانی فلسفی و متناسب با فرهنگ و ارزش‌های جامعه انجام پذیرد.

هم‌چنین دانشجویان و پژوهشگران می‌توانند از نتایج این پژوهش جهت استفاده در مطالعات اقتصاد اسلامی و نظریه‌پردازی در حوزه‌ی اقتصادی اسلامی و حتی شناخت اقتصاد متعارف و ارتدکس استفاده کنند.

روش پژوهش به‌کاررفته، روش اسنادی از نوع تحلیل محتوا است. این تحلیل محتوا یک نوع تحلیل منطقی-فلسفی بر روی محتوای متون هست.

بر این مبنا ابزار ما در این پژوهش، تحلیل منطقی از نظریات اسمیت و مبانی فلسفی آن دوره می‌باشد.

در این پژوهش در گام اول مبانی نظری و مفاهیم لازم در پژوهش، تبیین می‌شود. در گام دوم نسبت مبانی فلسفی جدید با اندیشه‌های اقتصادی کلاسیک بیان می‌گردد و سعی می‌شود اثرگذاری سه حوزه‌ی هستی‌شناسی، معرفت‌شناسی و ارزش‌شناسی بر مقولات اساسی علم اقتصاد نشان داده شود. در این گام به دقت نشان داده خواهد شد که چگونه مبانی فلسفی در نظریات اقتصادی اثرگذار است و تغییر در نگرش فکری و فلسفی، چگونه خود را در نظریات اقتصادی نشان می‌دهد. در گام سوم به ارائه‌ی یک مدل پرداخته شده و سعی می‌شود تک‌تک گزاره‌هایی که آدام اسمیت بیان کرده است، با تحلیل منطقی به مبانی فلسفی شکل گرفته در دوره رنسانس و در افکار آدام اسمیت، پیوند داده شود. در گام نهایی، نتایجی که از این پژوهش گرفته شده است، بیان خواهد شد و همچنین در این گام ارتباط این پژوهش با مباحث اقتصاد اسلامی بیان خواهد گردید.